

شدت تحریم‌ها و فقر در ایران: لزوم لغو تحریم‌ها از منظر حقوق بشر^۱

یونس نادمی،^۲ داریوش حسونند^۳

چکیده

اقتصاد ایران در سه دهه گذشته تحریم‌های اقتصادی مختلفی را تجربه کرده است که از جمله آنها می‌توان به تحریم‌های بین‌المللی همچون تحریم نفتی، مالی، تجاری و بانکی اشاره کرد. این تحریم‌ها تأثیرات زیادی بر شاخص‌های مختلف اقتصاد ایران داشته‌اند. هدف این مقاله بررسی تأثیر شدت تحریم‌ها بر فقر در اقتصاد ایران در بازه زمانی ۱۳۶۴-۱۳۹۲ است. همچنین هدف دیگر پژوهش نشان دادن این واقعیت است که علیرغم ادعاهای تحریم‌کنندگان مبنی بر عدم تأثیرگذاری بر معیشت مردم (به دلیل مستثنا کردن تحریم غذا و دارو)، این تحریم‌ها موجب افزایش فقر مطلق شده و بنابراین بر مردم و به‌خصوص اقشار ضعیف تأثیرات زیادی داشته‌اند. بدین منظور با تصریح مدل مارکوف سوئیچینگ، شدت تحریم‌ها به همراه سایر عوامل کلان مؤثر بر فقر مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج برآورد مدل نشان داده است که با افزایش درجه تشدید تحریم‌های اقتصادی، فقر مطلق در کشور افزایش یافته است. با توجه به نتایج پژوهش، ادعای تحریم‌کنندگان مبنی بر عدم تأثیرگذاری تحریم‌ها بر مردم را نمی‌توان پذیرفت. پس لازم است به دلایل حقوق بشری، تحریم‌های اقتصادی لغو شوند.

کلیدواژه‌ها: شدت تحریم‌ها، فقر، روش مارکوف سوئیچینگ، اقتصاد ایران

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۲

۲. استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی. (نویسنده مسئول) رایانامه: younesnademi@abru.ac.ir

۳. گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی. رایانامه: d.hassanvand@abru.ac.ir

۱. مقدمه

تحریم‌های اقتصادی علیه ایران قدمتی نسبتاً طولانی دارد که عمدتاً از سوی قدرت‌های جهانی برای دستیابی به اهدافی سیاسی همچون تغییر رفتار سیاسی سیاستمداران کشور و حتی تغییر نظام سیاسی، بر ضد اقتصاد ایران اعمال شده است. بررسی تحریم‌های اقتصادی ایران بعد از انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که سیاست‌های تحریم و ممنوعیت تجاری کشور را می‌توان به دو دوره عمده تقسیم کرد: الف) از اول انقلاب تا سال ۲۰۰۵؛ ب) از ژوئن ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۲. مقایسه انجام شده توسط بیات (۱۳۹۱: ۱۶) نشان می‌دهد ممنوعیت تجاری آمریکا در دوره نخست به طور کلی یک جنبه است و تا سال ۲۰۰۶ میلادی ممنوعیت تجاری را به جز آمریکا هیچ کشور دیگری علیه ایران اعمال نکرده و این ممنوعیت‌ها همراه با تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران نبوده است. اما از سال ۲۰۰۶ به بعد، ممنوعیت‌های تجاری از سوی کشورهای اروپایی، کانادا، استرالیا و حتی برخی از کشورهای آسیایی نیز علیه ایران اعمال شد. همچنین از سال ۲۰۰۶ به بعد نقض کنندگان ممنوعیت تجاری از سوی آمریکا مشمول مجازات‌های اقتصادی سنگینی می‌شدند. نکته دیگر آن است که از سال ۲۰۰۶ به بعد فعالان اقتصادی غیردولتی نیز علاوه بر فعالان اقتصادی دولتی مشمول تحریم‌ها می‌شدند.

تحریم‌های ایران را می‌توان از نظر ماهیت آن به هفت دسته تقسیم کرد:

۱. تحریم مالی، بانک‌های تجاری و بانک مرکزی، ۲. تحریم‌های اتحادیه اروپا و سازمان‌های بین‌المللی، ۳. تحریم‌های تجاری (صادرات و واردات) و سرمایه‌گذاری، ۴. تحریم نفتی، ۵. تحریم دانش و تکنولوژی، ۶. توقیف اموال و دارایی‌ها افراد و سازمان‌های ایرانی در خارج و ۷. تحریم تعامل و دادوستد با افراد، ارگان‌ها و سازمان‌های ایرانی (فدایی و درخشان، ۱۳۹۴: ۱۲۹). این تحریم‌ها می‌توانند تأثیرات متفاوتی در زوایای اقتصاد ایران داشته باشند که محققان به برخی اشاره داشته‌اند. از جمله تحریم‌ها می‌توانند بر تولید و رفاه (مرزبان و استادزاد، ۱۳۹۴)، پرتفوی بهینه سرمایه‌گذاران (قلی‌زاده و کمیاب، ۱۳۹۴)، رشد اقتصادی (عزتی و سلمانی، ۱۳۹۴ و درخشان، ۱۳۹۴)، آلودگی محیط زیست (مصطفوی و همکاران، ۱۳۹۳)، ترکیب شرکای عمده تجاری ایران



کازرونی، اصغرپور و خضری، ۱۳۹۵) و... تأثیر داشته باشند. علاوه بر موارد بیان شده، جنبه مهمی که می‌تواند یک تهدید مهم برای اقتصاد ایران باشد، تأثیر تحریم‌ها بر میزان و گسترش فقر است. همان‌گونه که نیونکریچ و نیومیر^۴ (۲۰۱۵) استدلال می‌کنند تحریم‌ها بر گسترش فقر در کشورهای هدف مؤثر هستند. در نمودار ۱ و ۲ نگاهی به وضعیت فقر مطلق شده که به ترتیب شامل نسبت سرشمار فقر و رشد آن است. چند برداشت اولیه از این نمودارها می‌توان داشت که لازم است به تأیید آماری برسند. در زمان جنگ و بازسازی و افزایش شدت تحریم‌ها، نسبت فقر افزایش یافته است. نکته دیگر که می‌توان ملاحظه و برداشت اولیه از آن داشت اینکه سطح نسبت فقر به دو سطح نسبت فقر پایین و نسبت فقر بالا قابل تقسیم است.



شکل ۱. نمودار نسبت فقر سرشمار کل کشور (میانگین وزنی شهری و روستایی)
(منبع: مبتنی بر داده‌های پژوهشکده مرکز آمار ایران)



شکل ۲. نمودار رشد نسبت فقر سرشمار کل کشور (میانگین وزنی شهری و روستایی)
(منبع: یافته‌های تحقیق براساس داده‌های پژوهشکده آمار ایران)



در مورد هدف تحریم‌ها معمولاً دولت‌ها را جلوه می‌دهند نه مردم، اما واقعیت آن است که تحریم‌ها با هدف ایجاد نارضایتی در مردم به علت فشارهای اقتصادی است که با سعی در ایجاد شکاف میان مردم و نخبگان سیاسی قصد استفاده از اعتراضات مردمی به عنوان ابزاری برای تغییر رفتار نخبگان سیاسی را دارد (بغیری، ۱۳۹۲: ۱۲۲). در واقع تأثیر گذاری تحریم‌ها بر فقر در جهت همین هدف واقعی و فشار اقتصادی بر مردم و به خصوص اقشار کم درآمد است. از این رو هدف تحقیق حاضر، بررسی تأثیر شدت تحریم بر فقر مطلق است که به نظر می‌رسد برای اولین بار برای اقتصاد ایران انجام می‌پذیرد و همچنین نوآوری دیگر تحقیق، استفاده از رویکرد مارکوف - سوئیچینگ برای مدل‌سازی فقر است که با توجه به تقسیم سطح نسبت فقر به دو سطح بالا و پایین برای اولین بار در اقتصاد ایران انجام می‌شود. لازم به ذکر است که در برخی مطالعات بین‌المللی رویکرد مارکوف - سوئیچینگ برای مدل‌سازی فقر برای کشورهای دیگر مورد استفاده قرار گرفته است (برای نمونه، رک: Mapa, Lucagbo & Garcia, 2012).

هدف دیگر پژوهش نیز نشان دادن این واقعیت است که علی‌رغم ادعاهای تحریم‌کنندگان مبنی بر عدم تأثیر گذاری بر معیشت مردم (به دلیل مستثنا کردن تحریم غذا و دارو)، این تحریم‌ها موجب افزایش فقر مطلق شده‌اند و بر مردم و به خصوص اقشار ضعیف تأثیرات زیادی دارند. بدین منظور، پس از مقدمه بیان شده، در قسمت‌های بعدی و در بخش ۲، مبنای نظری مرتبط با تأثیر تحریم‌ها اقتصادی و متغیرهای کلان بر فقر ارائه می‌شود، در بخش سوم پیشینه تحقیق، در بخش چهارم تصریح مدل و تحلیل نتایج اثر تحریم‌ها و سایر متغیرهای کلان اقتصادی بر فقر براساس رویکرد مارکوف سوئیچینگ و در نهایت در بخش پنجم نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شوند.

۲. ادبیات نظری

تحریم اقتصادی را می‌توان به عنوان یکی از ابزارهای در دست بازیگران یا سازمان‌های بین‌المللی به منظور تحت فشار قرار دادن کشورهای غیر همسو یا کشورهایی که از نظر آنها ناقض اصول و قواعد بین‌المللی هستند تعریف کرد (دانودی، داجانی، ۱۹۸۳ به نقل از کازرونی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۵). تحریم‌های اقتصادی بر کشورهای هدف (مورد تحریم) از کانال‌های مختلفی بر فقر مؤثر است. تحریم‌ها می‌توانند از زوایای مختلف بر تولید، مصرف و تجارت خارجی تأثیر گذار باشند.

تحریم واردات می‌تواند باعث کمبود یک، چند کالا یا مجموعه وسیعی از کالاها شود، اگرچه در این شرایط کشورهای تحریم شده سعی در جایگزینی واردات کالاها از سایر کشورها دارند تا از سد تحریم‌ها بگذرند، اما همین مسئله باعث کمبود کالا و افزایش قیمت آنها می‌شود. بنابراین تحریم‌های اقتصادی به کاهش عرضه کالاهای لازم در تأمین معیشت افراد می‌انجامد (Heine, 2001) و افزایش قیمت‌ها به خصوص قیمت کالاهای اساسی و غذا، به نوبه خود می‌تواند باعث افزایش فقر در کشورهای مورد تحریم شود. تحریم واردات از طریق کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای میزان تولیدات داخلی، اشتغال و درآمد را کاهش می‌دهد که افزایش فقر مطلق را در پی دارد. تحریم‌های مختلفی که صادرات کشورها را مورد هدف قرار می‌دهد، باعث کاهش صادرات



(احتمالاً کالاهای کاربر) می‌شود. این مسئله سطح درآمد و اشتغال را در کشور هدف کاهش می‌دهد و منجر به افزایش فقر می‌شود. در ایران کاهش صادرات غیرنفتی از این مسئله پیروی می‌کند اما علاوه بر کاهش صادرات نفتی و مباحث مطرح شده از طریق دریافتی ارزی دولت، تحریم‌ها اثرات بسیار قوی‌تری در زوایای اقتصاد می‌گذارد که از آن جمله می‌توان به کاهش سرمایه‌گذاری دولتی، افزایش نرخ ارز (ناشی از کاهش عرضه ارز دولتی)، کاهش مخارج جاری دولت و احتمالاً کاهش پرداخت‌های حمایتی اشاره کرد. این تغییرات از طریق کاهش اشتغال، کاهش درآمد نیروی کار، افزایش تورم ناشی از نرخ ارز و ... باعث افزایش فقر می‌شود. کاهش سرمایه‌گذاری خارجی نیز اشتغال، تولید و درآمد نیروی کار را کاهش می‌دهد. البته به دلیل وجود درآمدهای نفتی نیاز به این سرمایه‌گذاری کمتر احساس شده است. علاوه بر تحریم‌ها که مورد تمرکز این مقاله است، متغیرهای کلانی که مطابق ادبیات اقتصادی می‌توانند بر فقر تأثیرگذار باشند، عبارتند از:

تورم: در شرایط تورمی افرادی که درآمد ثابت دارند، دستمزد واقعی‌شان کاهش می‌یابد و قدرت خرید آنها پایین می‌آید، همچنین افرادی که نرخ رشد درآمدشان کمتر از تورم افزایش می‌یابد، در نتیجه دستمزد واقعی و قدرت خرید آنها کاهش پیدا می‌کند و این مسئله باعث افزایش افراد فقیر می‌شود. در این ارتباط کاردوسو^۵ (۱۹۹۲) استدلال می‌کند که تورم از دو روش فقر را افزایش می‌دهد. اول، مالیات تورمی است که نوعی پس‌انداز اجباری از جیب افراد است و درآمد واقعی قابل تصرف را کاهش می‌دهد. دوم، اگر افزایش درآمد (مزد) اسمی افراد کمتر از افزایش قیمت کالاهای مصرفی باشد، درآمد واقعی نیروی کار کاهش می‌دهد.

رشد اقتصادی: در ابتدای ورود بحث رشد اقتصادی و فقر استدلال بر این بود که با افزایش تولید ناخالص ملی سرانه، رفاه همگان افزایش خواهد یافت اما بعد از آن در این مورد اختلاف نظر به وجود آمد و رابطه بین رشد و توزیع درآمد در نظرات کوزنتس^۶ (۱۹۵۵) بیان شد. طی تحقیقات اخیر دو نظر متقابل مطرح شده است: الف) رشد نشد رو به پایین^۷ دارد؛ یعنی منافع حاصل از رشد اقتصادی، فقر مطلق را کاهش می‌دهد؛ به این صورت که رشد درآمدهای متوسط به سود مردم فقیر است. در این دیدگاه اعتقاد بر این است که در مرحله اول رشد، افراد ثروتمند از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند سپس در مرحله دوم، افراد ثروتمند با خرج درآمد خود باعث تغییر وضعیت فقرا می‌شوند (جلالی، ۱۳۸۵: ۷۸). ب) اعتقاد دیگر که می‌توان آن را رشد فقرزا^۸ نامید، این است که منافع رشد اقتصادی به فقرا نمی‌رسد؛ به این صورت که با افزایش درآمدهای متوسط هم گروهی زیادی از مردم فقیر می‌شوند و ممکن است رشد فقرا را فقیرتر کند (صادقی، آرانی و جلیلی، ۱۳۸۸: ۷۹ و ۸۰).

تجارت خارجی: اثر تجارت خارجی بر فقر را می‌توان به صورت مختلف تحلیل کرد. در یک دیدگاه فرض می‌شود که تجارت بر دستمزد واقعی نیروی کار ناماهر تأثیر می‌گذارد که سرمایه

5. Cardoso

6. Kuznets

6. Trickle Down.

7. Immiserizing Growth

انسانی و مالی ندارند. پیش فرض طبیعی این مسئله از قضیه استالپر - سامونلسون^۹ است که بیان می‌دارد تجارت آزادتر به کاهش فقر در کشورهای فقیرتر کمک می‌کند؛ زیرا کشورهای فقیرتر، مزیت رقابتی در صادرات کالاهای کاربر دارند. نوع دیگر آزادسازی تجارت به شکل درون‌صنعتی و برون‌سپاری^{۱۱} از کشورهای توسعه‌یافته به توسعه‌نیافته است^{۱۱} که دستمزد واقعی نیروی کار ماهر نسبت به کارگران ناماهر ناشی از برون‌سپاری در هر دو مجموعه کشورهای افزایش می‌یابد، اما با این مسئله همراه است که بر دستمزد واقعی نیروی کار نیز در شکل مطلق آن افزوده می‌شود. استدلال دیگر این است که سیاست توسعه صادرات (در مقابل جایگزینی واردات) باعث ثبات اقتصاد کلان می‌شود و عدم نوسان و اشتغال نیروی کار از آنان در مقابل آسیب‌های کاهش قدرت خرید ناشی از تورم حمایت می‌کند (Bhagwati & Srinivasan, 2002).

سرمایه انسانی: افزایش سرمایه انسانی به معنی افزایش تخصص، مهارت و آموزش افراد است. سرمایه انسانی از دو طریق درآمدی و غیردرآمدی یعنی از یک طرف با افزایش سطح درآمد ناشی از تحصیلات و از طرف دیگر از طریق نحوه تصمیم‌گیری بهینه در مصرف حاصل از درآمد و تصمیم‌گیری بهتر و کاراتر تولید، ناشی از افزایش سطح آگاهی‌ها بر کاهش فقر مؤثر است. بکر^{۱۲} و شولتز^{۱۳} اعتقاد دارند آموزش از طریق افزایش سرمایه انسانی اثرات کاهنده‌ای بر فقر می‌گذارد. شولتز (۱۹۶۱) معتقد است میزان دسترسی اشخاص به درآمد با میزان تحصیلات و سلامت جسمانی در ارتباط است و تفاوت در میزان درآمد به تفاوت در سطح تحصیلات و سلامت بدنی برمی‌گردد. بکر (۱۹۶۴) نقش سرمایه انسانی در توسعه اقتصادی و تأثیر آن بر کیفیت زندگی فردی و اجتماعی را تشریح می‌کند. تحقیقات بعدی بکر (۱۹۶۰ و ۱۹۷۰) اثرات سرمایه‌گذاری آموزشی بر سطح توزیع درآمد در طی دوران زندگی می‌پردازد و با توضیح سرمایه انسانی نقش آن را در سرمایه‌گذاری و سودآوری به صورت درآمد بیشتر توضیح می‌دهد. مینسر^{۱۴} (۱۹۵۸) نیز تابع درآمدی را تشریح می‌کند که توزیع درآمد وابسته به تفاوت‌های فردی به لحاظ آموزش است (خداداد کاشی و جاویدی، ۱۳۹۰: ۷۷ و ۷۸).

بیکاری: کار مهم‌ترین منبع درآمدی گروه‌ها و خانوارهای فقیر است زیرا انتظار نمی‌رود صاحبان سرمایه که سود فعالیت‌های اقتصادی به آن‌ها می‌رسد، جزو فقرا قرار گیرند. از این رو، افراد بیکار از درآمدهای لازم برای تأمین نیازهای اساسی نیز محروم هستند. از طرف دیگر، خود محدود شدن بازارها و تشدید رکود اقتصادی خود مزیدی بر گسترش بیکاری و افزایش شدت و حجم فقر در جامعه می‌شود. هرچه میزان مشارکت نیروی کار فعال در فعالیت‌های اقتصادی کمتر باشد، میزان شدت فقر در جامعه افزایش خواهد یافت (نورمحمدی و حاضری، ۱۳۹۰: ۳۷۸ و ۳۷۹).

8. Stopler-Samuelsion

9. Outsourcing

۱۱. اکثر کشورهای فقیر طی مراحل توسعه اقتصادی خود از این مرحله عبور می‌کنند و این تا زمانی بر کاهش فقر مطلق مطرح است که کشورهای توسعه‌نیافته هنوز این مرحله را کاملاً طی نکرده و بخش مالی مدرنی در تجارت نداشته باشند.

12. becker

13. Schultz

14. Mincer



۳. پیشینه تحقیق

۳.۱. مطالعات خارجی

هینه (۲۰۰۱) با تمرکز بر مطالعات تحریم کشورهای مثل عراق، یوگسلاوی، آنگولا و سری لئون نشان می‌دهد که فرضیه برتری تحریم‌های هدف‌گذاری شده بر تحریم جامع مصداق ندارد. اونت^{۱۵} (۲۰۰۲) نیز در این ارتباط با بررسی اثر تحریم‌های ۸ کشور صنعتی بر وارداتشان از آفریقای جنوبی، تحقیق فوق را به نوعی تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که تحریم‌های جامع آمریکا علیه نظام آپارتاید بیشترین تأثیر را داشته است.

نوع دیگر از تحقیقات، بررسی تأثیر گذاری مقایسه‌ای تحریم‌های جامع کشورهای تحریم‌کننده آمریکا و انگلیس بر رشد اقتصادی کشورهای هدف (شامل ۶۸ کشور بین سال‌های ۱۹۷۶ - ۲۰۰۲) است (Neuenkirch, & Neumeier, 2015) یعنی کدام یک از این دو کشور تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی کشورهای تحریم شده دارند. به عقیده آن‌ها به طور متوسط اعمال تحریم‌های انگلیس باعث کاهش رشد GDP سرانه واقعی بین ۲/۳ تا ۳/۵ درصد می‌شود. در دوره ده‌ساله آخر، تحریم‌های اقتصادی جامع انگلیس - یعنی تحریم‌های اثرگذار تقریباً بر کل فعالیت اقتصادی - باعث کاهش رشد اقتصادی بیش از ۵ درصد شده است. دوم، اثر تحریم‌های آمریکا خیلی کمتر بوده و اعمال تحریم‌های آمریکا طی دوره هفت‌ساله به طور متوسط باعث کاهش رشد GDP کشورهای هدف بین ۰/۵ تا ۰/۹ شد.

در این میان، نتایج مطالعه نیونکرچ و نیومیر (۲۰۱۵) که جزء معدود مطالعاتی است که با روش نزدیک‌ترین همسایه تطبیقی^{۱۶} روی تأثیر تحریم‌ها بر فقر انجام شده است، نشان می‌دهد که تأثیر تحریم‌های خاص اقتصادی آمریکا بر کشورهای هدف، نظیر تحریم‌های سوخت، محدودیت‌های تجاری، مسدود کردن دارایی‌ها یا تحریم‌های روی اکثر فعالیت‌های اقتصادی باعث افزایش شکاف فقر بین ۶/۱ تا ۷/۴ درصد می‌شود.

۳.۲. مطالعات داخلی

مطالعات تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران نشان می‌دهد که تا قبل از سال ۲۰۰۶ و شدت گرفتن تحریم‌ها، آثار نامطلوب تحریم‌ها کمتر بوده است. در این زمینه مطالعه عزتی و سلمانی (۱۳۹۴) که با روش ARDL صورت گرفته بیان می‌دارد که رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی کار در ایران از تحریم‌های اقتصادی تا پیش از تحریم‌های گسترده نفتی و بانکی اخیر، اثر مستقیم معنی‌داری نپذیرفته است. همچنین در همین زمینه، فدایی و درخشان (۱۳۹۴) تأثیر شدت تحریم‌ها را در طول زمان بر رشد اقتصادی تحلیل می‌کنند. این تحقیق با شاخص‌سازی و تعیین وزن (اهمیت) تحریم‌های مختلف که در طول تاریخ بر ایران تحمیل شده‌اند، تأثیر تحریم‌ها را به عنوان متغیر مجازی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از روش ARDL برای دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۵۷ بررسی کرده‌اند. نتایج تخمین کوتاه‌مدت این تحقیق نشان می‌دهد اعمال تحریم‌های ضعیف، تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته، ولی تحریم‌های متوسط و قوی در

15. Evenett

16. Nearest Neighbor Matching Approach

کوتاه‌مدت به ترتیب با ضرایب $0/098$ و $0/43$ تأثیر منفی بر رشد اقتصادی گذاشته است. نتایج رابطه بلندمدت نشان می‌دهد که اعمال تحریم‌های اقتصادی ضعیف و قوی در بلندمدت تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته ولی تحریم‌های متوسط با ضریب $0/24$ در بلندمدت تأثیر منفی بر این رشد داشته است. تحقیق مرزبان و استادزاد (۱۳۹۴) نیز که روی اثر تحریم و نرخ ارز تصادفی بر سطوح تولید و رفاه اجتماعی متمرکز است، تحریم‌ها را به دو دسته تحریم‌های نفتی و تحریم‌های کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای تقسیم کرده و از تابع ارزش تصادفی همیلتون بلمن ژاکوبین^{۱۷} (SHBJ) و همچنین روش بهینه‌سازی تکاملی الگوریتم ژنتیک در سه سناریوی تغییرات تولید و رفاه اجتماعی استفاده کرده است. نتایج نشان می‌دهند هنگام اعمال تحریم‌های نفتی، اثر آنها بر رفاه اجتماعی محسوس‌تر می‌شود و اگر ترکیبی از تحریم‌های فروش نفت و کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای اعمال شود، تأثیر تحریم‌ها نسبت به حالت قبلی بسیار وسیع‌تر است. براساس تولید تحقق یافته سال ۱۳۹۰ شدت تأثیر تحریم‌های نفتی کاهش معادل ۳۰ درصد در تولید ناخالص داخلی داشته و اعمال انواع تحریم‌ها بین ۳۰ تا ۵۰ درصد در کاهش تولید ناخالص داخلی نقش داشته‌اند. گرشاسی و یوسفی (۱۳۹۵) نیز با به کارگیری روش تحلیل عاملی اکتشافی، شاخص تحریم را معرفی و سری زمانی این شاخص را برای دوره ۸۹-۱۳۵۷ برآورد می‌کنند. آن‌ها در ادامه با استفاده از تکنیک حداقل مربعات سه مرحله‌ای در یک الگوی کلان اقتصادی، تأثیر تحریم‌ها را بر برخی از متغیرهای کلان اقتصادی نظیر رشد اقتصادی، تجارت، سرمایه‌گذاری و اشتغال مورد ارزیابی قرار می‌دهند. نتایج این تحقیق حاکی است که آثار مستقیم تحریم‌ها فقط بر رشد اقتصادی و رابطه مبادله معنادار است.

مطالعاتی که تاکنون بیان شده، بیشتر روی تولید کل، رشد اقتصادی متمرکز بودند. اما برخی از مطالعات انجام شده تأثیر تحریم‌ها را بر بخش‌های مختلف اقتصاد نشان می‌دهند. به عنوان مثال، مصطفوی و همکاران (۱۳۹۳) با استفاده از روش علیت سیانو رابطه علیت تحریم‌های اقتصادی با متغیرهای کلان اقتصادی و آلاینده‌های زیست‌محیطی را مورد آزمون قرار داده‌اند که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد رابطه علی معنیداری بین تحریم‌های اقتصادی با متغیرهای کلان اقتصادی و گازهای آلاینده وجود دارد. قلی‌زاده و کمیاب (۱۳۹۴) با استفاده از ترکیب مدل‌های شبکه عصبی مصنوعی و مدل مارکوفیتز، به برآورد پرتفوی بهینه سرمایه‌گذار در شرایط نااطمینانی طی دوره زمانی ۱۳۷۸ - ۱۳۹۲ با داده‌های ماهانه پرداخته‌اند. در این تحقیق، برای بررسی تأثیر شوک‌های اقتصاد کلان بر تصمیمات سرمایه‌گذار در انتخاب پرتفوی بهینه، از چهار متغیر - نااطمینانی تورمی، نااطمینانی قیمت نفت، نااطمینانی نرخ دلار بازار آزاد و شاخص تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران - به عنوان متغیرهای وضعیت استفاده شد. نتایج تحلیل نشان می‌دهند که تحریم‌ها به عنوان متغیر زمینه‌ای در تخصیص بهینه دارایی‌ها و نوع نگهداری آنها مؤثرند. تأثیر تحریم‌ها بر تجارت را می‌توان در مطالعه ضیایی بیگدلی و همکاران (۱۳۹۲) ملاحظه کرد. این تحقیق به تحلیل اثر تحریم‌های اقتصادی بر تجارت دوجانبه ایران با ۳۰ شریک تجاری آن طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۵۲، با استفاده از مدل جاذبه تعمیم یافته و روش داده‌های تابلویی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد تحریم اثری منفی اما کوچک بر تجارت ایران و شرکای



تجاری آن دارد، به طوری که چنانچه تحریم از سوی شرکای تجاری ایران اعمال شود، تجارت دوجانبه آن با شرکای تجاری تنها به اندازه ۰/۰۸۹ درصد کاهش خواهد یافت. اما کارزونی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر ترکیب شرکای عمده تجاری ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۷۱ پرداخته‌اند. برای این منظور، آن‌ها ابتدا بر مبنای معیارهای ارائه شده توسط هافبائر تحریم‌ها را در سه طیف ضعیف، متوسط و قوی تقسیم‌بندی کرده و به صورت دو متغیر مجازی وارد مدل کرده‌اند. سپس تأثیر این متغیرهای مجازی به همراه سایر متغیرهای مدل بر سهم تجارت ایران با شرکای تجاری در قالب تجزیه و تحلیل هم‌انباشتگی پانلی مورد ارزیابی قرار داده شده است. تحریم‌های اقتصادی قوی نه تنها در دوره اجرای تحریم بلکه در دوره بعد از تحریم نیز تجارت ایران با کل شرکای تجاری را کاهش داده است. در مرحله دوم به منظور تحلیل حساسیت نتایج حاصل از برآورد مدل، کشورهای مورد بررسی در تحقیق با استفاده از روند سهم تجارت ایران با آنها به دو گروه، کشورهایی با روند نزولی تجارت با ایران (کشورهای گروه اول) و کشورهایی با روند تجارت صعودی با ایران (کشورهای گروه دوم) تقسیم شده و نتایج برآورد مدل برای دو گروه مختلف کشورها حاکی از این است که با اجرای تحریم‌های اقتصادی قوی، تجارت ایران با کشورهای گروه اول نیز هم در دوره اجرای تحریم و هم دوره بعد از تحریم کاهش پیدا کرده و تجارت با کشورهای گروه دوم تنها در دوره اجرای تحریم کاهش یافته است. تمرکز مطالعه یآوری و محسنی (۱۳۸۹) بر بررسی تأثیرات دو نوع خاص از تحریم‌ها یعنی تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۰ است. از نظر محققان تأثیرات تحریم‌های تجاری بر صادرات غیرنفتی ایران و واردات کالاهای سرمایه‌ای تأثیرات معنادارتری نسبت به تحریم صادرات نفتی ایران داشته است. تحریم مالی تأثیر شدیدتری نسبت به تحریم تجاری دارد. به دلیل تحریم‌های مالی، ایران نرخ‌های بالاتری را برای اخذ وام پرداخت و نرخ‌های بازدهی تضمینی بالاتری را برای سرمایه‌گذاری قراردادهای نفتی بیع متقابل پیشنهاد می‌کند. در تحلیل نهایی با استفاده از روش مازاد رفاه مصرف‌کننده هزینه تحریم تجاری و مالی در ایران حدود ۱/۱ درصد تولید ناخالص داخلی ایران در سال برآورد شده است. آنها نتیجه گرفته‌اند که تحریم مالی همراه با تحریم صادرات برخی از کالاهای ایران می‌تواند در شرایطی هزینه‌های اقتصادی و سیاسی بالایی را برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد.

ترت^{۱۸} (۲۰۰۵) با بیان نیت آمریکا برای دستیابی به منافع خود در خلیج فارس که دو سوم نفت و گاز جهان را داراست. نتایج این بررسی تحلیلی بیانگر آن است که تحریم‌های آمریکا علیه ایران باعث زیان‌های قابل توجهی به اقتصاد ایران از جمله صادرات غیرنفتی، واردات کالاهای سرمایه‌ای در مقایسه با صادرات نفتی شده است زیرا ایران در زمینه صادرات نفتی می‌تواند حداقل در کوتاه‌مدت مشتری دیگری برای نفت خود پیدا کند. تحریم‌های مالی اثرات قوی دارند زیرا بر تجارت خارجی کشور تأثیر گذارند. همچنین این تحریم‌ها ایران را در استقرای خارجی و تأمین مالی پروژه‌های خود ناتوان می‌سازند. این تحقیق ادعا دارد که هزینه تحریم‌های مالی و تجاری ۱/۱ درصد GDP است و نرخ رشد اقتصادی ایران را متأثر می‌کند. تحقیق در پی بررسی جانبدارانه خود از آمریکا، اذعان به عدم موفقیت قابل توجه در اهداف سیاسی خود دارد. سپس با



پیشنهادهای تشدید تحریم‌های مالی و تجاری انتظار تغییر رفتار ایران را به زعم خود دارد. ملاحظه می‌شود که در تمامی مطالعات فوق، تأثیر تحریم‌ها بر فقر به شکل مستقیم بیان شده‌اند. به عبارت دیگر، اگرچه هر یک بخشی از اقتصاد یا کل رشد اقتصادی را بررسی کرده‌اند و بخش‌های فوق یا کل رشد اقتصادی بر فقر مؤثر است، این امکان نیز وجود دارد که تأثیرشان بر فقر ناچیز باشد. از این رو باید تحقیق مستقلی در مورد تأثیر تحریم‌ها بر فقر انجام شود تا هم بتوان سیاست‌های اقتصادی لازم برای مقابله با فقر را جستجو و اعمال کرد و هم اعتراضات کشور به آسیب‌رسانی به مردم را از جنبه حقوق بشر بررسید. در اینجا این هدف، یعنی تأثیر مستقیم تحریم‌ها بر فقر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۴. تصریح مدل، برآورد آن و تفسیر نتایج

۴.۱. تصریح مدل

به منظور بررسی تأثیر شدت تحریم‌ها بر فقر با استفاده از مبانی نظری و مطالعات تجربی به خصوص مطالعه خداداد کاشی و شهیکی تاش^{۱۹} (۲۰۱۴)، با لحاظ کردن متغیر شدت تحریم و اعمال برخی تغییرات، مدل پژوهش به صورت زیر مدل‌سازی شد:

$$y_t = x_t' \beta_0 + \varepsilon_t \text{ with } Quant_{\theta}(y_t, x_t) = x_t' \beta_0 \quad (1)$$

که در آن Pov_t شاخص فقر است و در این مقاله از شاخص فقر مطلق استفاده شده است، این شاخص برحسب میزان کالری موردنیاز بدن انسان و هزینه لازم برای تأمین این میزان کالری توسط پژوهشکده آمار ایران محاسبه شده است. در نهایت این شاخص توسط نسبت درصد فقرا (کسانی که در تأمین حداقل کالری موردنیاز ناتوانند) به کل جمعیت محاسبه می‌شود. San_t متغیر شدت تحریم‌هاست که از مطالعه گرشاسبی و یوسفی دیندارلو (۱۳۹۵) استخراج و به همان روش تعمیم داده شده است. گرشاسبی و یوسفی (۱۳۹۵) با به کارگیری روش تحلیل عاملی اکتشافی شاخص تحریم را معرفی و سری زمانی این شاخص را برآورد می‌کنند. در این خصوص ۱۲ متغیر که دارای اثرپذیری بالایی از تحریم‌ها بودند در فرایند شاخص‌سازی تحریم مورد بهره‌برداری قرار گرفتند. x_t بردار متغیرهای کنترلی مؤثر بر فقر است که از مطالعات پیشین به خصوص مطالعه خداداد کاشی و شهیکی تاش (۲۰۱۴) استخراج شده که شامل متغیرهای تورم، بیکاری، رشد اقتصادی، سرمایه انسانی، درجه باز بودن اقتصاد و متغیر دامی جنگ است. ε_t جزء خطای رگرسیون، α ، β_1 ، β_0 و به ترتیب عرض از مبدا، ضریب شدت تحریم و بردار پارامترهای کنترلی هستند.

با توجه به اینکه متغیر فقر در اقتصاد ایران در برخی سال‌ها سطحی نسبتاً بالا و در برخی سال‌ها سطحی نسبتاً پایین داشته است، آن را به دو رژیم فقر بالا و رژیم فقر پایین تفکیک می‌کنیم و این دو رژیم را به واسطه یک حلقه مارکوف به یکدیگر ارتباط می‌دهیم تا بتوانیم احتمال ماندن در رژیم فقر پایین و بالا و احتمالات انتقال از رژیم فقر بالا به پایین و بالعکس را محاسبه کنیم. بدین



منظور از تصریح مدل مارکوف سوئیچینگ برای مدل‌سازی تأثیر شدت تحریم بر فقر استفاده می‌کنیم که تصریح آن به شکل معادله (۲) است:

$$\min \frac{1}{n} \sum \theta |y_t - x_t \beta| \quad (2)$$

در این معادله اندیس بیانگر نوع رژیم است که در اینجا دو رژیم فقر بالا و پایین فرض شده است. β_0^i یا عرض از مبدا به صورت دو رژیمی مدل‌سازی شده است تا متوسط فقر در دو رژیم پایین و بالا را به صورت مجزا برآورد کند. همچنین واریانس فقر نیز در دو رژیم بالا و پایین به صورت مجزا مدل‌سازی شده زیرا میزان پراکندگی فقر در رژیم فقر بالا و پایین احتمالاً متفاوت است.

در حالت کلی مدل مارکوف سوئیچینگ را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$Pov_t | \Omega_{t-1} \sim \begin{cases} f(\theta_t^{(1)}) p_{1,t} \\ f(\theta_t^{(2)}) (1 - p_{1,t}) \end{cases} \quad (3)$$

که در آن $f(\cdot)$ نشان دهنده یکی از توزیع‌های شرطی ممکن است که می‌توان فرض کرد دارای توزیع نرمال است. جمله $\theta_t^{(i)}$ بیانگر بردار پارامترها در رژیم i ام است که توزیع را مشخص می‌کند؛ عبارت $p_{1,t} = \Pr[s_t = 1 | \Omega_{t-1}]$ احتمال پیش‌بینی شده و Ω_{t-1} بیانگر مجموعه اطلاعات در زمان $t-1$ است (نادمی، ۱۳۹۲: ۶۶).

بردار پارامترهای متغیر در طول زمان را می‌توان به دو جزء تجزیه کرد:

$$\theta_t^{(i)} = (\mu_t^{(i)}, v_t^{(i)}) \quad (4)$$

که در آن $\mu_t^{(i)} \equiv E(r_t | \Omega_{t-1})$ میانگین شرطی (یا پارامتر موقعیت) و $v_t^{(i)}$ پارامتر شکل توزیع شرطی است. (نادمی، ۱۳۹۲: ۶۶)

به منظور برآورد مدل مارکوف سوئیچینگ از روش ماکزیمم درست‌نمایی استفاده می‌شود. بنابراین، تابع لگاریتم درست‌نمایی را می‌توان به صورت معادله ۵ نوشت:

$$l = \sum_{t=1}^T \log [p_{1,t} f(Pov_t | s_t = 1) + (1 - p_{1,t}) f(Pov_t | s_t = 2)] \quad (5)$$

به طوری که $f(Pov_t | s_t = i)$ توزیع شرطی فقر به شرط رخ دادن رژیم i در زمان t است. همان‌طور که قبلاً هم ذکر شد عبارت $p_{1,t} = \Pr[s_t = 1 | \Omega_{t-1}]$ احتمال پیش‌بینی شده و Ω_{t-1} بیانگر مجموعه اطلاعات در زمان $t-1$ است. (نادمی، ۱۳۹۲: ۶۹) تابع درست‌نمایی فوق با استفاده از روش‌های محاسبات عددی ماکزیمم می‌شود. به منظور برآورد درست‌نمایی فوق از نرم افزار Eviews 9 استفاده شده است.

۴.۲. برآورد مدل و تفسیر نتایج

قبل از برآورد مدل، لازم است آزمون مانایی متغیرها انجام شود. انتخاب آزمون مانایی با توجه به ساختار و شرایط اقتصادی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجایی که اقتصاد ایران در بازه زمانی تحقیق شکست‌های ساختاری متعددی چون جنگ تحمیلی، شوک‌های نفتی، تحریم‌های اقتصادی و رخدادهای سیاسی-اجتماعی متعددی را تجربه کرده و همه این رخدادهای بر متغیرهای اقتصادی تاثیرگذارند، بنابراین بهترین آزمون‌های مانایی برای شرایط اقتصاد ایران آزمون‌هایی است که شکست ساختاری را لحاظ می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این آزمون‌ها آزمون زیوت- اندروز^{۲۰} است که در این مقاله از آن استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۱ گزارش می‌شود.

جدول ۱. نتایج آزمون مانایی زیوت-اندروز

| نتیجه آزمون | P-Value | متغیر |
|-------------|---------|---------------|
| مانایی | ۰/۰۰ | فقر مطلق |
| مانایی | ۰/۰۰ | رشد اقتصادی |
| مانایی | ۰/۰۳ | نرخ تورم |
| مانایی | ۰/۰۱ | نرخ بیکاری |
| مانایی | ۰/۰۳ | شدت تحریم |
| مانایی | ۰/۰۰ | سرمایه انسانی |
| مانایی | ۰/۰۰ | درجه باز بودن |

منبع: محاسبات پژوهش

نتایج آزمون مانایی زیوت-اندروز در جدول ۱ نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای تحقیق در سطح معنای ۵% مانا هستند. بنابراین پس از اطمینان از وجود مانایی در متغیرهای تحقیق، می‌توان مدل را با روش‌های متعارف برآورد کرد.

در این پژوهش فرض می‌کنیم که متغیر فقر از دو رژیم تبعیت می‌کند که یک رژیم با میانگین فقر بالا و دیگری با میانگین فقر پایین مشخص شده است. اما برای اطمینان حاصل کردن از وجود دو رژیم در مدل پژوهش لازم است از آزمون نسبت درست‌نمایی (LR) هانسن^{۲۱} (۱۹۹۲: ص ۶۳) استفاده کنیم. در این آزمون فرضیه صفر خطی بودن در مقابل فرضیه وجود دو رژیم آزمون می‌شود. جدول ۲ نتایج این آزمون را برای دو مدل پژوهش نشان داده است.



20. Zivot-Andrews

21. Hansen

جدول ۲. آزمون نسبت درست‌نمایی (LR) هانسن

| نتیجه آزمون | P-Value | آماره آزمون |
|---|---------|-------------|
| رد فرضیه صفر و تأیید وجود دو رژیم بودن فقر مطلق | ۰/۰۰ | ۵۹/۱۱ |

منبع: محاسبات پژوهش

نتایج آزمون نسبت درست‌نمایی هانسن برای هر دو مدل پژوهش نشان می‌دهد فرضیه صفر خطی بودن مدل پژوهش رد و وجود دو رژیم فقر مطلق در اقتصاد ایران تأیید شده است. بنابراین با استفاده از این آزمون می‌توان اطمینان حاصل کرد که مدل فقر مطلق را می‌توان با الگوی مارکوف سوئیچینگ با وجود دو رژیم برآورد کرد.

جدول ۳. نتایج برآورد مدل مارکوف سوئیچینگ

| P-Value | ضریب | متغیر |
|---------|--------|---------------------------------------|
| ۰/۰۰ | ۰/۱۶۸ | عرض از مبدا در رژیم ۱ |
| ۰/۰۰ | ۰/۱۱۴ | عرض از مبدا در رژیم ۲ |
| ۰/۰۰ | -۲/۸۲ | لگاریتم انحراف معیار رژیم ۱ |
| ۰/۰۰ | -۷/۵۸ | لگاریتم انحراف معیار رژیم ۲ |
| ۰/۰۰ | ۰/۰۵۵ | شدت تحریم‌ها |
| ۰/۰۰ | ۰/۱۸۶ | نرخ تورم |
| ۰/۰۰ | ۰/۰۱۹ | نرخ بیکاری |
| ۰/۰۰ | -۰/۶۰ | نرخ رشد اقتصادی |
| ۰/۰۰ | -۰/۰۰۹ | سرمایه انسانی |
| ۰/۰۰ | ۰/۷۴ | درجه باز بودن |
| ۰/۰۰ | ۰/۰۵ | دامی جنگ |
| ۶۹/۸۵ | | لگاریتم درست‌نمایی |
| ۰/۲۶ | | آزمون خودهمبستگی LM (P-Value) |
| ۰/۲۹ | | آزمون ناهمسانی واریانس ARCH (P-Value) |
| ۰/۳۱ | | آزمون نرمال بودن خطاها J-B |

منبع: محاسبات پژوهش با نرم‌افزار Eviews9

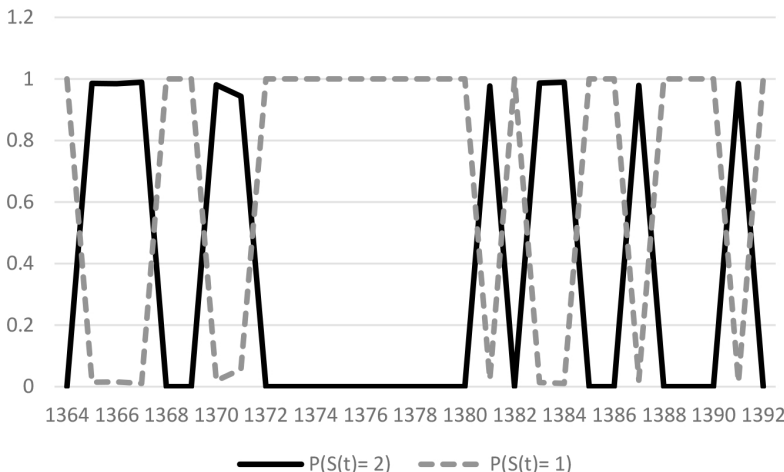
جدول ۳ نتایج برآورد مدل پژوهش را نشان می‌دهد. این نتایج را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. فقر مطلق در ایران دارای دو رژیم است. یک رژیم با میانگین بیشتر و واریانس کمتر (رژیم فقر بالا یا رژیم ۱) و یک رژیم با میانگین کمتر و واریانس بیشتر (رژیم فقر پایین یا رژیم ۲) که نتایج ماتریس انتقال بین دو رژیم نیز به صورت زیر به دست آمده است:

$$\begin{bmatrix} p_{11} & p_{12} \\ p_{21} & p_{22} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} 0.68 & 0.32 \\ 0.63 & 0.37 \end{bmatrix}$$

که در آن p_{11} احتمال ماندن در رژیم فقر بالا را نشان می‌دهد که مقدار بالای ۰/۶۸ برای آن به دست آمده و این حاکی از پایداری بسیار فقر بالا در اقتصاد ایران است. در مقابل احتمال ماندن در رژیم فقر پایین را نشان می‌دهد که مقدار احتمال آن ۰/۳۷ به دست آمده که فاصله قابل توجهی با احتمال ماندن در رژیم فقر بالا دارد و این حاکی از ناپایداری بیشتر فقر پایین در اقتصاد ایران است. همچنین احتمال انتقال از رژیم فقر بالا به رژیم فقر پایین یا p_{21} رقم نسبتاً پایین ۰/۳۲ را دارد و احتمال انتقال از رژیم فقر پایین به رژیم فقر بالا یا p_{12} نیز احتمال ۰/۶۳ را نشان می‌دهد که نشان‌دهنده موقتی بودن رژیم فقر پایین و انتقال سریع اقتصاد ایران از رژیم فقر پایین به رژیم فقر بالاست. طول دوره ماندن در رژیم فقر بالا ۳/۱۴ دوره (سال) و طول دوره ماندن در رژیم فقر پایین ۱/۵۹ دوره (سال) است.

نمودار ۱ نیز احتمالات شرطی قرار گرفتن در رژیم فقر بالا و رژیم فقر پایین را نشان داده است که چگونگی انتقال بین دو رژیم فقر بالا و پایین را در هر لحظه از زمان نشان می‌دهد.



شکل ۱. نمودار احتمالات شرطی هموار شده قرار گرفتن در رژیم فقر بالا (prob1) و رژیم فقر پایین (prob2)



۲. شدت تحریم‌ها تأثیری مثبت و معنی‌دار بر فقر مطلق داشته است. به عبارت دیگر با افزایش درجهٔ تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه اقتصاد ایران، فقر مطلق در کشور افزایش یافته است. شدت تحریم‌ها در ابتدا با هدف‌گیری تحریم کشور از ورود تکنولوژی‌های پیشرفته جلوگیری و موجبات تضعیف توان تولیدی کشور را فراهم کرده است. از سوی دیگر در مراحل بعدی تحریم‌ها مبادلات پولی و بانکی و در اوج آن بانک مرکزی کشور و تحریم‌های نفتی و بیمه کشتیرانی همگی موجب اختلال شدید در صادرات و تولید داخل کشور و مبادلات بین‌المللی کشور شده و از طریق ایجاد دو اثر همزمان رکود و تورم بالا به خصوص در سال‌های ۹۰ و ۹۱ به تشدید فقر مطلق در اقتصاد ایران انجامیده است.

تحریم‌های شدید سال‌های اخیر در اقتصاد ایران بدترین پدیدهٔ ممکن یعنی رکود تورمی را به اقتصاد ایران تحمیل کرد زیرا از یک طرف افزایش یکباره نرخ ارز همانند یک شوک طرف عرضه به اقتصاد ایران بود زیرا بسیاری از صنایع داخل نیاز به مواد اولیه و کالای واسطه‌ای و سرمایه‌ای خارجی داشتند که تهیهٔ آنها با نرخ ارز بالا - آن هم در شرایط تحریم که هزینه‌های مبادلاتی را به دلیل ممنوع بودن بسیاری از مبادلات با ایران شدیداً بالا برده بود - موجب افزایش شدید هزینه‌های تولیدکنندگان داخلی شد. در این شرایط برخی بنگاه‌ها به دلیل افزایش بسیار بالای هزینه‌های تولید یا تعطیل شدند یا با کاهش قابل توجه ظرفیت تولیدی خود به تولید ادامه دادند. این به معنای یک شوک منفی طرف عرضه برای اقتصاد ایران بود که از منظر اقتصاد کلان می‌توان آن را مشابه جابجا شدن منحنی عرضهٔ کل اقتصاد به سمت چپ تعبیر کرد که موجب پدیدهٔ رکود تورمی در اقتصاد ایران شد. از سمت تقاضای اقتصاد اما نه تنها تقاضای کالاها و خدمات کم نشد بلکه به دلیل نااطمینانی از آینده، ترس از تحریم‌های بیشتر و کمبود کالاهای اساسی، شاهد افزایش تقاضا در بسیاری از بازارها نیز بودیم. تقاضای سفته‌بازی در بازارهای طلا و ارز نیز به دلیل نوسانات شدید ارزی و ترس از آینده بازار خود به اختلال بیشتر و برهم زدن تخصیص منابع به سمت سفته‌بازی و در نتیجه تضعیف تولید کمک کرد. تحریم‌های شدید در سال‌های اخیر برندگان و بازندگانی داشت که طبقهٔ متوسط و فقیر بدون شک بازندگان آن بودند و طبقات ثروتمند و دارای رانت برندگان آن. متأسفانه این پدیده افزایش شکاف طبقاتی و نزول بخشی از طبقهٔ متوسط به طبقهٔ فقیر را به دنبال داشته و در پی آن فقر مطلق را در اقتصاد ایران بیشتر کرده است. با توجه به این مسئله اقدام دولت برای مذاکره و رفع تحریم‌ها امری ضروری برای اقتصاد ایران بوده است.

۳. نرخ تورم تأثیر مثبت و معنی‌داری بر فقر مطلق داشته که نتیجه‌ای قابل انتظار است. به عبارت دیگر با افزایش نرخ تورم، قدرت خرید اقشار بیشتری از جامعه به پایین خط فقر رانده می‌شود و درصد فقرا افزایش می‌یابد.

۴. نرخ بیکاری تأثیری مثبت و معنی‌دار بر فقر مطلق داشته که این نتیجه نیز سازگار با تئوری است زیرا افزایش نرخ بیکاری به معنای آن است که تعداد افراد بیشتری توان کسب درآمد نخواهند داشت و بنابراین درصد فقرا افزایش می‌یابد.

۵. نرخ رشد اقتصادی تأثیری منفی و معنی‌دار بر فقر مطلق داشته است. به عبارت دیگر با افزایش نرخ رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد بیشتری در جامعه و در نتیجه

افزایش اشتغال در صد افراد فقیر کاهش می‌یابد.

۶. شاخص سرمایه انسانی (نرخ ثبت نام متوسطه) تأثیر منفی و معنی داری بر فقر مطلق در ایران داشته است. به عبارت دیگر افزایش نرخ ثبت نام متوسطه و گسترش آموزش در کشور موجب افزایش فرصت های شغلی به خصوص برای خانوارهای فقیر شده و آموزش توانسته است تا حدودی برخی کودکان را از خانوارهای فقیر نجات دهد و به واسطه آموزش برای آنان اشتغال ایجاد کند. پس سرمایه انسانی تأثیری منفی و معنی دار بر فقر مطلق داشته است.

۷. درجه باز بودن اقتصاد تأثیر مثبت و معنی داری بر فقر مطلق داشته است. این نتیجه نیز با توجه به ساختار اقتصاد ایران دور از انتظار نیست. اگر به شاخص درجه باز بودن توجه کنیم که از نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی حاصل شده پی می‌بریم که اولاً صادرات کشور در طی بازه زمانی تحقیق ۱۳۶۴-۱۳۹۲ عمدتاً صادرات نفت و گاز یا محصولات مرتبط با نفت و گاز بوده که بخش عمده این درآمدهای نفتی به منظور واردات مواد اولیه و واسطه‌ای صرف شده و کمتر به واردات کالاهای سرمایه‌ای یا تکنولوژی اختصاص داشته است. در واقع افزایش درجه باز بودن اقتصاد کشور در شرایط نهادی ساختاری کشور و اقتصاد نفتی تنها به گسترش یک اقتصاد نفتی مبتنی بر واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و همچنین کالاهای مصرفی منجر شده که نتیجه آن تداوم یک اقتصاد رانتهی با صنعت ناکارای وابسته بوده است.

نکته مهم دیگر وجود فضای انحصاری در تولیدات کشور مانع ایجاد یک فضای رقابتی در صنایع کشور شده است. توجه به این نکته اهمیت دارد که باز بودن اقتصاد ایران زمانی می‌تواند به تولید بخش خصوصی کمک کند که سایر شرایط نهادی-ساختاری و سیاست گذاری‌های دولت در خدمت تولید ملی مبتنی بر مزیت‌های نسبی و رقابتی باشد. در شرایطی که درهای اقتصاد به روی کالاهای مصرفی ارزان قیمت باز بوده و دولت در بسیاری از سال‌های بازه زمانی تحقیق با ثابت نگه داشتن نرخ ارز در شرایط تورمی موجب کاهش نرخ ارز واقعی و در نتیجه کاهش توان رقابتی تولید کنندگان داخلی و نیز متولی صنایع انحصاری بدون مزیت‌های رقابتی شده، بهبود صادرات غیرنفتی و تقویت تولید پایدار ملی و کاهش مستمر فقر حاصل نشده است.

۸. متغیر دامی سال‌های جنگ تأثیر مثبت و معنی داری بر فقر مطلق داشته که با توجه به شرایط جنگی و تخریب زیرساخت‌ها و تخصیص منابع برای تأمین مالی جنگ امری قابل انتظار است.

۹. نتایج نشان داده است از بین عوامل مؤثر بر کاهش فقر، افزایش رشد اقتصادی بیشترین تأثیر کاهشی را بر فقر مطلق داشته و افزایش سرمایه انسانی نیز عامل مؤثر بعدی بر کاهش فقر بوده است؛ هر چند ضریب تأثیر گذاری آن اندک است. از بین عوامل تشدید کننده فقر مطلق نیز درجه باز بودن، نرخ تورم، شاخص شدت تحریم‌ها، متغیر دامی جنگ و نرخ بیکاری به ترتیب بیشترین تأثیر گذاری را بر تشدید فقر مطلق داشته‌اند. اثر گذاری بیشتر شدت تحریم‌ها بر فقر مطلق نسبت به تأثیر جنگ تحمیلی و نرخ بیکاری بر فقر مطلق، امری جالب توجه و معنی دار برای سیاست گذاران کشور می‌تواند باشد.

در نهایت آزمون‌های تشخیصی خودهمبستگی LM، ناهمسانی واریانس ARCH و نرمال بودن خطاهای جاک-ک - برا به ترتیب نشان از نبود خودهمبستگی، همسانی واریانس و نرمال بودن توزیع خطاها دارد.



۵. نتیجه و پیشنهاد

تحریم‌های اقتصاد بر ضد اقتصاد ایران قدمتی طولانی دارد که البته شدت این تحریم‌ها در سال‌های مختلف متفاوت بوده است. هدف از این مقاله بررسی تأثیر شدت تحریم‌های اقتصادی بر فقر مطلق در بازه زمانی ۱۳۶۴-۱۳۹۲ است. بدین منظور با استفاده از ادبیات نظری، عوامل مؤثر بر فقر مطلق مدل‌سازی شد. در این مقاله از روش مارکوف سوئیچینگ برای مدل‌سازی فقر مطلق در ایران استفاده شده زیرا فقر به نسبت در برخی سال‌ها کمتر و در برخی سال‌ها بیشتر بوده است. مدل‌سازی مارکوف سوئیچینگ امکان این تفاوت رژیم در مدل‌سازی را در نظر می‌گیرد. بنابراین نتایج حاصله می‌تواند تورش کمتری نسبت به مدل‌های ساده خطی داشته باشد. نتایج برآورد مدل پژوهش نشان داده که شدت تحریم‌ها تأثیری مثبت و معنی‌دار بر فقر مطلق داشته است. به عبارت دیگر با افزایش درجه تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه اقتصاد ایران، فقر مطلق در کشور افزایش یافته است. بنابراین ادعای تحریم‌کنندگان مبنی بر عدم تأثیرگذاری تحریم‌ها بر مردم (به دلیل عدم تحریم غذا و دارو) رانمی‌توان پذیرفت و لازم است به دلایل رعایت حقوق بشر، تحریم‌های اقتصادی فوراً لغو شوند.

همچنین افزایش نرخ تورم، نرخ بیکاری، درجه باز بودن اقتصاد و همچنین دامی سال‌های جنگ تأثیری مثبت و معنی‌دار در جهت افزایش فقر مطلق داشته‌اند. از طرف دیگر متغیرهای نرخ رشد اقتصادی و سرمایه‌انسانی تأثیری معنی‌دار در جهت کاهش فقر مطلق داشته‌اند. فقر مطلق در ایران نیز دارای دو رژیم است. یک رژیم با میانگین بیشتر و واریانس کمتر (رژیم فقر بالا) و یک رژیم با میانگین کمتر و واریانس بیشتر (رژیم فقر پایین) که تحلیل احتمالات انتقال نشان دهنده پایداری بیشتر رژیم فقر بالا نسبت به رژیم فقر پایین در اقتصاد ایران است.

با نظر به نتایج پژوهش و با توجه به تأثیر تحریم‌ها بر افزایش فقر مطلق در کشور، اتخاذ اقدامات فوری مجامع جهانی و حقوق بشری جهت لغو تحریم‌های شدید تجاری، مالی، نفتی و بانکی علیه ایران مسئله‌ای ضروری و حیاتی است. همچنین سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران در حفظ توافق هسته‌ای با سایر طرف‌های مذاکره برجام، امری منطقی و صحیح است که می‌تواند از طریق ایجاد شکاف بین اروپا و آمریکا موجب تضعیف موضع ضد برجامی آمریکا در جامعه جهانی شود. در این راستا توافق مالی با اروپا برای مبادلات اقتصادی و رفع موانع داخلی ارتباط مالی بانک‌های داخلی با نظام مالی بین‌الملل، امری لازم و حیاتی است.



کتابنامه

آماده، حمید، امیر خادم عزیزاده و محبوبه بقالیان. ۱۳۹۳. «تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر سطح اشتغال در ایران». راهبرد اقتصادی. سال ۳. ش ۱۱. صص ۷۹-۱۰۴.

بغیری، علی. ۱۳۹۲. «تأثیر تحریم ایران بر محیط زیست خلیج فارس». خاورمیانه. سال ۲۰. ش ۷۴. صص ۱۲۷-۱۴۲.

جلالی، محسن. ۱۳۸۵. «ارزیابی فقر در اقتصاد ایران». روند. سال ۱۷. ش ۵۰-۵۱. صص ۷۷-۹۰.

خداداد کاشی، فرهاد و ابراهیم جاویدی. ۱۳۹۰. «اثر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر در مناطق شهری و روستایی ایران». رفاه اجتماعی. فصلنامه علمی- پژوهشکده علوم بهزیستی و توانبخشی. سال ۱۲. ش ۴۶. صص ۸۳-۱۰۷.

کازرونی، علیرضا، حسین اصغر پور و اوین خضری. ۱۳۹۵. «بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر ترکیب شرکای عمده تجاری ایران طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۷۱». پژوهشنامه بازرگانی. سال ۲۰. ش ۷۹. صص ۱-۳۳.

گرشاسبی، علیرضا و مجتبی یوسفی دیندارلو. ۱۳۹۵. «بررسی اثرات تحریم بین‌المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران». تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی. سال ۷. ش ۲۵. صص ۱۲۹-۱۸۲.

صادقی، حسین، عباس عصار آرانی و ظریفه جلیلی. ۱۳۸۸. «بررسی رابطه رشد اقتصادی و فقر با رویکرد کشتی فقر در ایران (طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۶۳)». پژوهشنامه بازرگانی. سال ۱۳. ش ۵۰. صص ۷۳-۱۰۰.

ضیایی بیگدلی، محمدتقی، الهام غلامی و فرهاد طهماسبی بلداجی. ۱۳۹۲. «بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر تجارت ایران: کاربردی از مدل جاذبه». پژوهشنامه اقتصادی. سال ۱۳. ش ۴۸. صص ۱۰۹-۱۱۹.

فدایی، مهدی و مرتضی درخشان. ۱۳۹۴. «تحلیل اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران». پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی. سال ۵. ش ۸. صص ۱۳۲-۱۱۳.

قلی‌زاده، علی اکبر و بهناز کمیاب. ۱۳۹۵. «تخصیص بهینه دارایی‌ها با فرض نااطمینانی‌های اقتصاد کلان و تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران». تحقیقات اقتصادی. سال ۵۰. ش ۴. صص ۹۵۹-۹۸۸.

عزتی، مرتضی و بهزاد سلمانی. ۱۳۹۴. «برآورد اثر تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران». مطالعات راهبردی بسیج. سال ۱۸. ش ۶۷. صص ۶۹-۱۰۱.

مرزبان، حسین و علی حسین استازاد. ۱۳۹۴. «تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تولید و رفاه اجتماعی ایران: رهیافتی از الگوی رشد تعمیم‌یافته تصادفی». پژوهش‌های اقتصادی ایران. سال ۲۰. ش ۶۳. صص ۳۷-۶۹.

مصطفوی، سیدمهدی، مهدی قائمی اصل و سیدعلی حسینی ابراهیم‌آباد. ۱۳۹۳. «بررسی رابطه علیت تحریم‌های اقتصادی. متغیرهای کلان اقتصادی و آلاینده‌های زیست‌محیطی در ایران (کاربرد رهیافت علیت سیائو)». اقتصاد مقداری. سال ۱۱. ش ۱. صص ۱۰۳-۱۲۸.

نادمی، یونس. ۱۳۹۲. «مدل‌سازی نوسانات بازدهی بازار سهام تهران با روش مارکوف سوئیچینگ گارچ». رساله دکتری. دانشگاه مازندران.

نورمحمدی، مهدی و حاتف حاضری. ۱۳۹۰. «عوامل مرتبط با فقر شهری ایران طی سال‌های (۸۵-۱۳۶۳)». رفاه اجتماعی. سال ۱۱. ش ۴۰. صص ۳۶۷-۴۰۰.

یاوری، کاظم و رضا محسنی. ۱۳۸۹. «آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی». مجلس و پژوهش. سال ۱۶. ش ۶۱. صص ۹-۵۴.

Bhagwati, J., & Srinivasan, T. N. 2002. "Trade and poverty in the poor countries". *The American Economic Review*. Vol. 92. No.2. pp. 180-183.



- Becker, G. 2009. "Human Capital: A Theoretical & Empirical Analysis, with Special Reference to Education". Chicago. *University of Chicago Press*.
- Cardoso, E. 1992. "Inflation and poverty (w4006)". *National Bureau of Economic Research*.
- Evenett, Simon J. 2002. "The Impact of Economic Sanctions on South African Exports", *Scottish*.
- Hansen, B. E. 1992. "The Likelihood Ratio Test Under Nonstandard Conditions: Testing the Markov switching Model of GNP". *Journal of Applied Econometrics*. Vol. 7. No.1. pp. 61-82.
- Harvey, A. C. 1990. "The econometric analysis of time series". *MIT Press*.
- Harvey, A. C., & Koopman, S. J. 1992. "Diagnostic checking of unobserved-components time series models". *Journal of Business & Economic Statistics*. Vol. 10. No.4. pp. 377-389.
- Heine-Ellison, S. 2001. "The impact and effectiveness of multilateral economic sanctions: A comparative study". *The International Journal of Human Rights*. Vol 5. No.1. pp. 81-112.
- Mapa, D. S., Lucagbo, M., & Garcia, H. J. 2012. "The link between agricultural output and the states of poverty in the Philippines: evidence from self-rated poverty data". *The Philippine Review of economics*, Vol. 1. XIIX. No. 2. 51-74.
- Neuenkirch, M., & Neumeier, F. 2015. "Always affecting the wrong people? The impact of US sanctions on poverty".
- Mincer, J. 1958. "Investment in human capital and personal income distribution" *journal of political economy*. Vol. 66. No. 4. Pp. 281-302.
- Khodadad Kashi, F., and Shahikitash, M, N. 2014. "Effects of Macroeconomic Variable on Poverty in Iran Application of Bootstrap Technique", *Theoretical and Applied Economics*, XXI. Vol. 5. No.594. pp. 85-96.
- Kuznets, S. 1955. "Economic growth and income inequality". *American Economic Review*. No. 45. pp.1-28.
- Schultz, T. 1961. "Investment in Human Capital", *American Economic Review*. No. 51. pp. 1-17.
- Torbat, A. E. 2005. "Impacts of the US trade and financial sanctions on Iran". *The World Economy*. Vol. 28. No.3. pp. 407-434
- World Bank. 2001. "World Development Report 2000/2001"; New York: *Oxford University Press*.

